

در نشست کارشناسان گروه مکانیک عنوان شد:

در حوزه‌های آموزشی صنعت نیازمند کتاب‌های کمک آموزشی هستیم



● محمدعلی نیکنام، محمدحسین معتمدراد

اشاره

نخستین نشست در زمینه تألیف و نشر کتابهای آموزشی و کمک‌آموزشی فنی‌وحرفه‌ای، در سالن اجتماعات «دفتر فنی‌وحرفه‌ای» سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار شد. این نشست که به دعوت هیئت تحریریه مجله «رشد جوانه» صورت پذیرفت، به آشنایی با حوزه آموزشی مکانیک و تألیف و نشر کتابهای آموزشی در این حوزه درسی اختصاص داشت.

نشست مذکور با حضور مهندس ابوالقاسم جاریانی، معاون سابق بخش صنعت دفتر فنی‌وحرفه‌ای، مهندس محمدعلی نیکنام، مهندس عبدالمجید خاکی صدیق، مهندس احمد آقازاده هریس، مهندس محمد لطفی‌نیا، دکتر مهدی اسماعیلی، کارشناسان گروه‌های آموزشی مکانیک، و علی کافی، مشاور ارشد انتشارات فنی ایران برگزار شد که گزارش آن را در ادامه می‌خوانید.

شماره ۳۵/۳۶

۱۸

۱۳۹۱

نیکنام: حاضران در این نشست کارشناسان دفتر فنی و حرفه‌ای و نماینده انتشارات فنی ایران هستند و قصد داریم مسائل تألیف و نشر در زمینه‌های فنی و حرفه‌ای را تجزیه و تحلیل کنیم. بهتر است بحث را از آقای کافی از نشر «فنی ایران» شروع کنیم. بفرمایید فعالیت‌های انتشارات فنی ایران در چه زمینه‌ای است و این مرکز چه کتابهایی را نشر می‌دهد؟

کافی: بنده به نمایندگی از انتشارات فنی ایران در خدمت شما هستم. این انتشارات را آقای جلیل خسروشاهی بنیان گذاشت که بیشتر مقاصد خیرخواهانه را دنبال می‌کرد و کمتر به مسائل اقتصادی توجه داشت. ایشان در اوایل دهه ۱۳۶۰ تصمیم گرفت مؤسسه‌ای را بنیان بگذارد که به اصطلاح ما ویراستارها، «نوشتگان فنی» را ترویج دهد. چرا که معتقد بود، جای این آثار در کشور ما خالی است. این موضوع زمانی اتفاق افتاد که هنوز آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به شاخه‌های کاردانش و فنی و حرفه‌ای تقسیم نشده بودند. تصمیم ایشان بر این بود که روی کتابهایی تمرکز شود که بیشتر در خدمت تکنسین‌های آن دوره باشند.

حاصل یک دوره فعالیت انتشارات فنی ایران غریب به ۱۰۰ کتاب بود که دوستان حاضر در این جلسه، کتابهای مذکور را دیده‌اند. انتخاب کتابها براساس یک برنامه درسی مشخص نبود و کتابهایی بود که می‌توان به آنها «دانش افزا» گفت. در این زمینه انتشارات فنی ایران فعالیتهای خوبی داشته و کتابهای مناسبی منتشر کرده است. بسیاری از کتابهای آن جایزه دریافت کردند و بسیاری نیز از سوی آموزش و پرورش و سازمان فنی و حرفه‌ای کشور تقدیر و توصیه شدند.

در مجموع می‌توان گفت، کتابهای ما طبق دیدگاه آموزش و پرورش، کتابهای دانش‌افزایی هستند و برای هنرآموزان و هنرجویانی مناسب‌اند که می‌خواهند اطلاعات خود را گسترش دهند. البته ما برنامه‌هایمان را تا حدودی تغییر دادیم و تصمیم گرفتیم که کارهایمان را با نظام آموزشی کشور هماهنگ کنیم. بنابراین با دستگاه آموزش و پرورش کشور و با دوستانی که در این دفتر هستند، وارد مذاکره شدیم و اعلام کردیم، با توجه به سابقه‌ای که داریم، آماده‌ایم تا در جهت نشر فنی همکاری کنیم.

برای تولید ۲۵ کتاب درسی با آموزش و پرورش قرارداد بسته‌ایم

نتیجه این مذاکرات به این‌جا ختم شد که اکنون ما برای تولید ۲۵ کتاب درسی با آموزش و پرورش قرارداد بسته‌ایم. هم‌چنین در حال حاضر برای انتشار کتابهای دو رشته از کاردانش، یعنی



کافی



در
حال حاضر برای
انتشار کتابهای دو رشته
از کاردانش، یعنی تأسیسات
و نقشه‌کشی، تفاهم‌نامه‌ای
با آموزش و پرورش امضا
کرده‌ایم

تأسیسات و نقشه‌کشی، تفاهم‌نامه‌ای با آموزش و پرورش امضا کرده‌ایم. در ضمن این فعالیتها، اگر متوجه شویم که کتابی مفید واقع خواهد شد، با آقای جعفرآبادی و کارشناسان هماهنگ می‌کنیم تا به چاپ برسد.

در گذشته عملکرد انتشارات فنی ایران این گونه بود که بدون در نظر گرفتن مخاطب ویژه، به انتشار کتاب دست می‌زد. اما اکنون تصمیم مؤسسه بر این است که کتابها را هدفمند به چاپ برساند. یعنی مخاطبانی را شناسایی کند و برای آنها کتاب منتشر سازد. یک بخش از کتابهای ما حاوی فناوریهای جدیدی هستند که نظام آموزشی به آنها نپرداخته است. مثلاً یکی از استادان به ما چاپ کتابهایی را که در زمینه تلویزیونهایی که با فناوریهای جدید مثل LCD و LED کار می‌کنند پیشنهاد داد. این پیشنهاد در دست بررسی است.

نیکنام: همان‌طور که اطلاع دارید، قرار است که درباره سامان بخشی کتابهای آموزشی در حوزه فنی و حرفه‌ای و کاردانش صحبت کنیم. خود بنده به عنوان کارشناس، خلأ وسیعی را بین کتابهای آموزش فنی و حرفه‌ای موجود با نیاز جامعه احساس می‌کنم. طبق تحقیقی که بنده کرده‌ام، اولین مدرسه‌ای که در ایران تأسیس شد، «دارالفنون» بود؛ یعنی محل آموزش فنون. شاگردان این مدرسه برحسب نیازشان دروس علمی، فیزیک، شیمی، ریاضیات و ... را هم می‌خواندند و قرار بوده است که این علوم به عمل تبدیل شوند.

خلاصه کلام این که امروز جلسه‌ای داریم پیرامون سامان بخشی کتابها. ابتدا قرار بر این بود که به تفکیک رشته‌ها در خدمت کارشناسان باشیم تا نظراتشان در مجله رشد جوانه منعکس شود. اما چون خیلی طولانی می‌شد، قرار شد که این جلسات به تفکیک گروه‌های آموزشی برگزار شود.

در حال حاضر، ده گروه در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف داریم. اولین گروهمان، گروه مکانیک است که امروز در خدمتشان هستیم. من ابتدا از آقای مهندس جاریانی می‌پرسم: گروه یعنی چه؟ وقتی می‌گوییم گروه مکانیک یا می‌گوییم ده گروه در دفتر برنامه‌ریزی داریم، دقیقاً از چه چیزی سخن می‌گوییم؟

جاریانی: قبل از این که بحث را شروع کنم، از همکارانمان در مجله رشد جوانه تشکر می‌کنم که اجازه دادند، چنین نشست‌هایی برگزار شود تا جامعه معلمان و دانش‌آموزان با اهداف رشته‌های تحصیلی و فعالیت‌های دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی آشنا شوند. من این اقدام را اقدام مبارکی می‌دانم.

دوره متوسط به سه شاخه تقسیم می‌شود: شاخه نظری، شاخه فنی و حرفه‌ای و شاخه کاردانش. در هر یک از این شاخه‌ها گروه‌هایی هستند و در هر گروه تعدادی رشته وجود دارد.

نحوه انتخاب گروه‌ها، به دروس اصلی و پایه هر رشته بستگی دارد. هر چه در یک رشته، تعداد دروس اصلی و پایه به هم نزدیک‌تر باشد و یک سلسله مفاهیم مشترک برای آموزش دروس تخصصی وجود داشته باشند، اصطلاحاً آن دروس هم خانواده هستند و در یک گروه قرار می‌گیرند.



جاریانی

در گروه‌های درسی هم سعی ما بر این بوده است که حداقل حدود چهار تا شش درس مشترک وجود داشته باشد. یعنی در همه رشته‌هایی که در یک گروه قرار می‌گیرند، این دروس تدریس شوند؛ چه به عنوان دروس اصلی چه به عنوان دروس پایه که اینها زمینه‌ای می‌شوند برای ورود به دروس تخصصی. دروس تخصصی هم همان‌طور که از اسمشان پیداست، خاص هر رشته هستند. مهم‌ترین ویژگی شاخه فنی و حرفه‌ای این است که برنامه درسی آن به صورت پیوسته پنج ساله تدوین می‌شود.

در برنامه ریزی درسی، نگاه چهار ساله داریم

ما در برنامه‌ریزی درسی در شرایط فعلی نگاه چهار ساله داریم؛ دو سال هنرستان و دو سال دوره کاردانی که یک برنامه پیوست است و در آن هم گروه‌ها در نظر گرفته شده‌اند. یعنی گروه‌های درسی در برنامه‌های درسی لحاظ شده‌اند. معمولاً این گروه‌های درسی یک سلسله اهداف خاص و مشترک دارند و وقتی در برنامه‌ریزی درسی اهداف را تعیین می‌کنیم، ویژگیهای اهداف مشترک رعایت می‌شوند. یعنی یک مجموعه کارگاه‌ها، آزمایشگاه‌ها و دروس مشترک هستند که باعث می‌شوند، مثلاً معلم رسم فنی گروه مکانیک تقریباً بتواند در همه رشته‌ها درس بدهد. یا اگر معلمی کارگاه مقدماتی مکانیک را درس می‌دهد، بتواند همه کارگاه‌های مقدماتی در دیگر رشته‌ها را نیز تدریس کند. این روش باعث می‌شود که بتوان از ظرفیت موجود در یک مرکز بیشترین استفاده را کرد؛ در عین حال که اهمیت دروس تخصصی نیز حفظ می‌شود.

نیکنام: از آقای دکتر اسماعیلی، که در گروه مکانیک فعالیت دارند و سرگروه این حوزه آموزشی نیز می‌باشند می‌خواهیم رشته‌های داخل گروه را معرفی کنند و شرح دهند که چه طور این رشته‌ها کنار هم جمع شده‌اند و گروه را تشکیل داده‌اند. هم‌چنین، برای ما بگویند: تألیف کتابهای رشته مکاترونیک که برای آن برنامه‌ریزی کرده‌اند، به چه مرحله‌ای رسیده است؟ نیز کتابهای کمک‌آموزشی این رشته چه کتابهایی هستند و آینده کتابهای کمک‌آموزشی این رشته را چگونه می‌بینید؟

اسماعیلی: گروه مکانیک هفت رشته درحوزه فنی و حرفه‌ای را شامل می‌شود که عبارت‌اند از: ساخت و تولید، نقشه‌کشی، صنایع فلزی، مکانیک خودرو، تأسیسات، صنایع چوب و کاغذ، مکاترونیک.

اسماعیلی



تعداد دانش‌آموزان ما در کل کشور در گروه مکانیک حدود ۴۲ هزار نفر در حوزه فنی‌وحرفه‌ای است و حدود ۲۲ تا ۲۳ هزار نفر در حوزه کاردانش. تعداد هنرآموزان ما که در وزارت آموزش و پرورش با لیسانس مهندسی مکانیک استخدام شدند (و هم‌چنین لیسانسهای مربوط)، در حدود ۳۶۰۰ معلم است. همان‌طور که استحضار دارید، تعداد کل دانش‌آموزان فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش ما در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ حدود ۸۲۸ هزار نفر بوده است.

در دنیای امروز، تقسیم‌بندی کلاسیک دانشگاهی و پایین‌تر از دانشگاهی وجود ندارد. آموزش فنی‌وحرفه‌ای ماهیت مستقلی دارد که با توجه به آن در بخشهای متفاوت آموزشی تزییق می‌شود. آینده فنی‌وحرفه‌ای در دنیا به سمت رسمیت دادن به تجارب غیررسمی پیش می‌رود. یعنی برنامه‌های آموزشی لزوماً مقید به چارچوبهای زمانی موجود نیستند. با این تفاسیر به نظر می‌رسد که باید برای آموزشهای فنی‌وحرفه‌ای محدودهای بسیار مستقل که حوزه و مخاطبان آنها هم فقط رسمی متوسط و دوره کاردانی نباشند، تعریف کرد. در کشورهای دیگر، دوره کاردانی معمولاً به نام آموزشهای دانشگاهی تقسیم‌بندی نمی‌شود. کاردانی متعلق به حوزه فنی‌وحرفه‌ای، خاص خود آموزشهای فنی‌وحرفه‌ای است. برای همین به نظر می‌آید که تقسیم‌بندی ما در حوزه نشر باید به سمت تقسیم‌بندی حوزه آموزش و پرورش، حوزه دانشگاه و حوزه آموزش فنی‌وحرفه‌ای پیش برود. آینده برنامه‌های درسی آموزشهای فنی‌وحرفه‌ای هم به سمت آموزشهای مبتنی بر شایستگی پیش می‌رود.

کتابهای درسی و مواد آموزشی ما نیز باید به ارائه این شایستگیها بپردازند. برای مثال، اگر در رشته‌ای ۸۰ شایستگی داریم، برای تک تک این شایستگیها باید مواد آموزشی داشته باشیم و در آخر هم ارزش‌یابی براساس آن شایستگی انجام می‌شود. ویژگی این شایستگی آن است که مخاطبان را افزایش می‌دهد. یعنی مخاطبان حوزه رسمی و غیررسمی را تکمیل می‌کند. ما در حوزه سازمان فنی‌وحرفه‌ای حدود ۱۰ هزار مرکز آموزش فنی‌وحرفه‌ای و حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ مرکز ثابت، در حوزه آموزشهای فنی‌وحرفه‌ای در حدود پنج هزار هنرستان کارودانش و فنی‌وحرفه‌ای، در حوزه آموزشکده‌ها حدود ۱۶۰ آموزشکده فنی‌وحرفه‌ای و در حوزه دانشگاه جامع علمی و کاربردی، در حدود ۵۰۰ مرکز داریم. یعنی به طور کلی بازار بسیار وسیعی داریم که متأسفانه مغفول واقع شده است.

کتابها و منابع آموزشی، در حوزه شایستگی باید بیشتر بر فیلمهای آموزشی تمرکز داشته باشند تا کتابهای آموزشی. البته نقش کتاب از بین نمی‌رود اما فیلم هم شاید به اندازه کتاب یا نرم‌افزارهای آموزشی نقش داشته باشد. از این‌رو، اگر ما در گروه‌های متفاوت، شایستگیهای مشترک رشته‌ها را شناسایی کنیم و براساس آنها کتاب یا فیلم آموزشی تهیه کنیم، دیگر می‌توانیم حوزه رسمی

و غیررسمی را مخاطبان خود قرار دهیم. بحث دیگر در این زمینه آن است که ما باید طبق استانداردهای اولیه، جدولی داشته باشیم تا ناشر جای خودش را در آن جدول پیدا کند و بداند که در کدام قسمت از جدول هنوز کاری انجام نشده است.

همچنین، از آنجا که برنامه‌های ما پنج ساله است، برای دوره متوسطه مواد آموزشی مناسب نداریم. یعنی همان اندازه که به برنامه‌های دوره متوسطه توجه می‌شود، باید بر دوره‌های کاردانی نیز تمرکز کنیم.

در گروه مکانیک باید اولویت اول کتابها و شایستگی‌هایی باشند که میان همه رشته‌ها مشترک هستند.

برای اولویت‌های بعدی موارد دیگری را می‌توان در نظر گرفت. مثلاً برای کارگاه مکانیک عمومی، فیلم خوبی براساس شایستگیها برای هنرستانها یا حتی مراکز فنی‌و حرفه‌ای نداریم که به عنوان یک مرجع قابل استفاده باشد. نرم‌افزارها هم خوب هستند، اما به نظر من، اولویت اصلی با فیلم آموزشی است که باید به صورت هدفمند طراحی و ساخته شود.

درباره رشته مکترونیک هم باید بگوییم، رشته جدیدی است که در کشورهای گوناگون برای آن برنامه‌ریزی شده و حدوداً یک دهه است که به حوزه فنی‌و حرفه‌ای ما وارد شده است. در دوره دانشگاهی ما، اوایل یکی دو دانشگاه بودند که رشته مکترونیک را در دوره فوق لیسانس ارائه می‌کردند که در حال حاضر تعدادشان بیشتر شده است. دو سه دانشگاه هم این رشته را در دوره لیسانس ارائه می‌دهند.

در حوزه فنی و حرفه‌ای به رشته‌های بین رشته‌ای نیاز داریم

در حوزه فنی‌و حرفه‌ای، ما به رشته‌های بین رشته‌ای نیاز داریم. اکثر محصولات به سوی بین رشته‌ای بودن حرکت می‌کنند، یعنی ترکیبی از الکترونیک، مکانیک و رایانه هستند. در حوزه بازار کار، تدبیری برای این موضوع اندیشیده نشده است و بیشتر به صورت سری آموزش می‌دهند. در آموزشهای ما، دوره‌های مکانیک، الکترونیک و رایانه به صورت دوره‌های مجزا آموزش داده می‌شدند. به همین علت قصد داریم از ابتدا این سه رشته را به صورت هدفمند طراحی کنیم. در دو سه سال اخیر، برنامه‌ریزیهای حدود ۲۰ کشور بررسی شد و برنامه‌ی درسی دوره دیپلم و فوق دیپلم یا دوره تک‌سیننی طراحی شد و دوره متوسطه آن به شورای عالی آموزش و پرورش و دوره کاردانی پیوسته‌اش به دانشگاه جامع علمی و کاربردی ارسال شد. در کمیسیون شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب رسید و برای تصویب نهایی منتظر صحن شورا است.

فرایند کار در دانشگاه جامع علمی و کاربردی نیز در حال انجام است. البته چون هنوز این رشته به تصویب نهایی نرسیده است، نمی‌توانیم در موردش خیلی اظهار نظر کنیم. اما اکنون در رشته

اکثر محصولات
به سوی بین رشته‌ای
بودن حرکت می‌کنند،
یعنی ترکیبی از الکترونیک
مکانیک و رایانه
هستند

ساخت و تولید، ۱۱ هزار دانش‌آموز، در رشته نقشه‌کشی عمومی حدود ۴۱۰۰ نفر، در رشته صنایع فلزی ۴۲۰۰ نفر، در رشته مکانیک خودرو ۱۸ هزار نفر، در رشته تأسیسات ۵۲۰۰ دانش‌آموز و در رشته صنایع چوب ۲۲۰۰ نفر مشغول به تحصیل هستند.

می‌توانیم حوزه‌های مشترک این رشته‌ها را بررسی کنیم تا ببینیم متناسب با شایستگیها، آیا کتابهای مشترک درسی و کمک‌درسی در حوزه نشر وجود دارند یا نه. یعنی کتابهای مشترک درسی، چون در رشته‌های کاردانش بعضی کتابها اصلاً وجود ندارند.

نیک‌نام: آقای لطفی‌نیا، دیگر کارشناس سازمان در حوزه آموزش صنایع چوب هستند. از ایشان می‌خواهیم ضمن معرفی این رشته، در مورد کتاب‌های کمک‌آموزشی مورد نیاز آن نیز توضیحاتی ارائه فرمایند.

لطفی‌نیا: خوش‌حالم از این که تعاملی میان نشریه جوانه و اعضا و کارشناسان دفتر تألیف آموزشهای فنی‌وحرفه‌ای برقرار شده است.

رشته صنایع چوب و کاغذ از جمله رشته‌های بسیار قدیمی است که قدمت آن به ۱۰۰ سال پیش می‌رسد و به طور کامل تا الان در حال رشد بوده است. ما بعد از انقلاب توانستیم در همه استانهای کشور برای این رشته، هم در شاخه فنی‌وحرفه‌ای و هم در شاخه کارودانش، هنرجو جذب کنیم. مخصوصاً در آموزشهای فنی‌وحرفه‌ای وزارت کار، مراکز بسیار زیادی در حال آموزش این رشته هستند.



لطفی‌نیا

در حال کیفیت‌بخشی به کتاب‌ها هستیم

دفتر تألیف فنی‌وحرفه‌ای هم با توجه به تغییر نظام آموزشی که اتفاق افتاد، همه کتابهای قدیمی را به ۱۲ جلد کتاب فنی‌وحرفه‌ای و ۸ جلد کتاب کاردانش تغییر داد که بسیار کامل و جامع هستند و در حال حاضر هم در حال کیفیت‌بخشی به این کتابها هستیم.

در رابطه با کتابهای کمک‌آموزشی و تأثیر آنها بر روند آموزش به خصوص در شاخه کاردانش، اعضای کمیسیون ما و سازمان فنی‌وحرفه‌ای کتابهای بسیار زیادی در این شاخه به چاپ رسانده‌اند. مثل درودگری مقدماتی و پیشرفته و حتی CNC ماشین آلات صنایع چوب تألیف شده است که در بازار به فروش می‌رسد و مورد استفاده فراگیرندگان این رشته قرار گرفته است. اما آنچه که امروز مهم و حائز اهمیت است، مطابقت محتوای این کتابها با فناوری پیشرفته روز است. به این منظور، کتابهای مرجع آلمانی را برای ترجمه تهیه کرده‌ایم. هم‌چنین، از طریق نمایشگاه کتاب امسال، منابع خارجی زیادی را تهیه کرده‌ایم که در شرف ترجمه برای افزایش معلومات در رشته صنایع چوب هستند.

با انتشارات فنی ایران نیز ارتباط داریم و در حال ترجمه کتابی هستیم که به زودی منتشر خواهد

شد تا به عناوین کتابهای کمک آموزشی اضافه شود.

نیکنام: رشته‌های فنی می‌توانند تولیدکننده باشند و ما را به خودکفایی برسانند تا از ورود تولیدات خارجی جلوگیری شود. اما متأسفانه رشته‌هایی مثل معدن، چاپ، صنایع چوب، ریخته‌گری، صنایع فلزی، آن‌چنان که باید مورد حمایت قرار نگرفته‌اند؛ نه از سوی مردم که به سوی این رشته‌ها بیایند و نه از حمایت‌های مسئولین. خوش‌بختانه در این تغییر نظام ما تا به حال توانسته‌ایم ۲۰ کتاب چاپ کنیم و پنج کتاب نیز در دست چاپ داریم که این برای ما معجزه‌ای است.

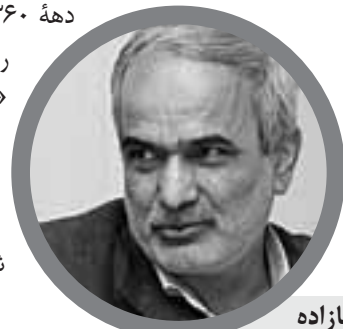
آموزش‌هایی که حدود ۴۰۰ هزار نفر در کشور به صورت مستقیم و غیرمستقیم در آن فعال هستند، می‌توانند توسعه قابل توجهی در اشتغال‌های خانگی که جزو سیاست‌های دولت نیز هست، به وجود آورند. اما مجموعه کتابهای آموزشی و کمک‌آموزشی برای این آموزشها به سختی به ۵۰ عنوان کتاب می‌رسد که برای ۴۰۰ هزار نفری که در بیش از ۵۰ هزار کارگاه کوچک فعال هستند، کافی نیست. به جرئت می‌توانم بگویم در ۹۰ درصد از این کارگاه‌ها، حتی یک کتاب کمک‌آموزشی نمی‌توانید پیدا کنید. به همین دلیل ما در نهایت با تمام استعداد، هنر و خلاقیتی که داریم، از نظر کیفیت و قیمت محصول، به دلیل عدم آموزش آحاد ملت، در وضع نامناسبی هستیم. من شخصاً در این زمینه از انتشارات فنی کشورمان ناراضی هستم. شما فکر می‌کنید از ۹ هزار ناشر کشور، چه تعدادی در زمینه فنی‌و حرفه‌ای فعالیت می‌کنند؟

ما در شاخه‌های صنعت، خدمات و کشاورزی واقعاً نیازمند توجه وسیعی به کتابهای آموزشی و کمک‌آموزشی فنی هستیم؛ مخصوصاً در این برهه زمانی که بحران بی‌کاری هم هست و ما باید حتی اشتغال را به داخل خانه‌ها ببریم. از نظر من هیچ مانعی برای نوشتن کتابی درباره نحوه درست کردن رب گوجه‌فرنگی وجود ندارد. یا کتابی درباره این‌که چگونه چرخ گوشت را تعمیر کنیم. چرا در کتابهایی که در اتوبوسها می‌گذارند، خبری از کتابهای فنی‌و حرفه‌ای نیست؟ چرا برای بچه‌ها کتابهای آموزشی فنی‌و حرفه‌ای نوشته نمی‌شود؟

در این قسمت از آقای مهندس آقازاده می‌خواهیم که در مورد رشته تأسیسات و نقش کتابهای کمک‌آموزشی در این رشته مطالب خود را بیان فرمایند.

آقازاده: وقتی ما در حدود سال ۱۳۵۹ استخدام شدیم، برای رشته تأسیسات چند جلد کتاب و جزوه وجود داشت و پایه‌گذار و شروع‌کننده تألیف این کتابها نیز مرحوم آقای نوربخش، از استادان دانشگاه علوم و صنعت بودند که تحصیلاتشان را در آمریکا گذرانده بودند. بعد از سالهای اولیه

شما فکر می‌کنید
از ۹ هزار ناشر کشور
چه تعدادی در زمینه
فنی‌و حرفه‌ای فعالیت
می‌کنند؟



دهه ۱۳۶۰، در برنامه‌های چهارساله‌ای که تنظیم شد، به مسئله کتاب نیز توجه شد. رشته ما با کلمه «تأسیسات» به طور کامل معرفی نمی‌شود و نام کامل آن «تأسیسات مکانیکی ساختمان» است. در نظام مهندسی نیز تأسیسات را به دو گروه «تأسیسات برقی» و «تأسیسات مکانیکی» تقسیم می‌کنند. در برنامه جدیدی که ما برای شورای عالی تهیه کرده‌ایم، پیشنهاد داده‌ایم که نام رشته هم تغییر کند. گرچه ممکن است با گفتن کلمه «تأسیسات» برخی متوجه شوند که منظور چیست، اما باید نام با مسامی برای رشته داشته باشیم.

«تأسیسات مکانیک ساختمان»، داخل ساختمان را پوشش می‌دهد و در کنار آن، دستگاه‌هایی هستند که به شاخه‌های حرارتی، برودتی، بهداشتی و گازرسانی

تقسیم می‌شوند. درس‌هایی که آموزش داده می‌شوند، در این رابطه هستند.

به صورت تقریبی می‌توانم بگویم که حدود ۱۰ هزار هنرجو در سطح کشور مشغول به تحصیل در این رشته هستند. غیر از دو استان ایلام و بوشهر که فقط در شاخه‌ی کاردانش این رشته را دارند، در بقیه استانها در هر دو شاخه فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش، این رشته تدریس می‌شود. هم‌چنین، حدود ۹ رشته‌ی مهارتی داریم و ۱۳ جلد کتاب در حوزه فنی‌وحرفه‌ای و ۶ جلد کتاب در حوزه کاردانش تألیف کرده‌ایم. اخیراً نیز حدود ۹ جلد کتاب در دست تهیه داریم که قرارداد آن با انتشارات فنی ایران بسته شده است.

این را هم اضافه کنم که در برنامه‌ریزیهای چهارساله، هر سال به یکی از شاخه‌های رشته اختصاص داده شده بود؛ سال اول به رشته بهداشتی، سال دوم به حرارتی، سال سوم به تهیه مطبوع و سال چهارم به تبرید یا سردکننده‌ها. در حال حاضر، غیر از شاخه‌ی تهیه مطبوع، سه شاخه باقی‌مانده در دو سال فشرده شده‌اند. از طرف دیگر، می‌خواهیم که همه قسمت‌ها را آموزش دهیم، چون همه‌ی آنها لازم هستند، اما فشردگی مباحث و مطالب بسیار زیاد است. امیدوارم که طول دوره آموزش فنی‌وحرفه‌ای زیاد شود تا راحت‌تر بتوانیم آموزش‌هایمان را ادامه دهیم.

کتابهایی که در رشته تأسیسات نوشته شده‌اند، با توجه به این که این رشته کاربردی و خدماتی است، علاوه بر هنرجویان مورد استفاده دست‌اندرکاران رشته تأسیسات مانند شرکت‌های تأسیساتی نیز قرار می‌گیرند. در مورد کتابهای کمک‌آموزشی چندین سال است که با واحد سامان‌بخشی کتابهای آموزشی در دفتر انتشارات کمک‌آموزشی در ارتباط هستیم و کتابهایی را در زمینه تأسیسات ارزش‌یابی کردیم.

اما آن‌چه که اهمیت دارد این است که درصد کمی از هنرجویان از این کتابها استفاده می‌کنند. به نظر من چند علت دارد: یکی از علتها رواج کم کتاب‌هاست. این کتابها در محدوده‌ای انتشار می‌یابند که هنرجویان از آنها بی‌خبر هستند. بی‌علاقگی هنرجویان مخصوصاً در سالهای اخیر، یکی دیگر از علت‌هاست. در سالهای اول که استخدام شده بودیم، تدریس راحت‌تر بود و دانش‌آموزان

واقعاً مشتاق بودند که چیزی یاد بگیرند. الان معضلی که در زمینه کتابهای رسمی و کمک آموزشی مرتبط با رشته با آن روبه‌رو هستیم، همین بی‌علاقگی هنرجویان است. شاید هم اشکال از ما و یا سیستم باشد.

روز به روز از تعداد هنرآموزان کم می‌شود

از یک طرف، وقتی هنرجویان را به کارگاه می‌بریم و یک استادکار یا مهندس ورزیده نیز به آنها کمک می‌کند، باید به زور از کارگاه بیرونشان کنیم و از طرف دیگر، در کلاسهای تئوری بی‌علاقگی شدید آنها مواجه هستیم. متأسفانه ما نتوانستیم جواب‌گوی علاقه هنرجویان به کار عملی باشیم و روز به روز از تعداد هنرآموزان کم می‌شود و جانشینانشان کسانی هستند که کار بلد نیستند.

در هر صورت، استفاده‌کنندگان اصلی کتابهای آموزشی و کمک آموزشی دو گروه هنرجویان و هنرآموزان هستند که هر دو مشکلاتی دارند. به نظر من در کنار تألیف کتاب باید فکری به حال بی‌علاقگی هنرجویان کرد. درصد کسانی که به درس علاقه دارند، بسیار کم شده است و مسائل حاشیه‌ای و اجتماعی، ذهن هنرجویان را مشغول کرده است. اگر ما کتاب کمک آموزشی تألیف کنیم و به دست آنها برسانیم ممکن است چندان توجهی نکنند. من معتقدم که هدف کتابهای کمک آموزشی باید کتابهای اصلی باشد و اگر در این مسیر حرکت کنند، موفق خواهند بود.

نیکنام: در ادامه بحث، در خدمت آقای مهندس خاکی هستیم که با تمام زوایای آموزش فنی و حرفه‌ای و نیز مسائل شورای عالی آموزش و پرورش آشنا هستند و زمانی هم مدیرکل سازمان آموزشهای فنی و حرفه‌ای کشور بودند.

آقای خاکی! شما فکر می‌کنید چند درصد ورودی مان باید وارد آموزش فنی و حرفه‌ای شود؟ چرا؟ مسیر پذیرش هنرجو چه تأثیری بر توسعه کشور خواهد داشت؟ ابزار کار ما برای رسیدن به سرمنزل مقصود در برنامه‌های آموزش و پرورش در جهت توسعه ۲۰ ساله چیست؟ می‌خواهم که بر کتابهای کمک آموزشی و رسانه‌های مربوطه تمرکز فرمایید.

خاکی: به طور کلی در دنیای امروز، آموزش رسمی از ابتدای تحصیل ابتدایی تا پایان نهم، به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که همه جوانان به سمت آموزشهای فنی و حرفه‌ای سوق یابند. در بسیاری از کشورها بیش از ۸۰-۷۰ درصد دانش‌آموزان به سمت رشته‌های فنی و حرفه‌ای گرایش پیدا می‌کنند.

الان معضلی که

در زمینه کتابهای رسمی و کمک آموزشی مرتبط با رشته با آن روبه‌رو هستیم همین بی‌علاقگی هنرجویان است



توجه داشته باشیم که سمت‌گیری ما نسبت به آموزش فنی و حرفه‌ای باید متناسب با سیاستهای ۲۰ ساله، مصوبه‌های دولت و اهداف کلان ما باشد. زندگی ایجاب می‌کند که هر کسی به سمت شغلی برود؛ حال چه با تحصیلات عالی چه با تحصیلات متوسطه. هم‌چنین باید ببینیم سطوح هرم شغلی چگونه تقسیم‌بندی می‌شوند تا بتوانیم با یک عدد نه خیلی دقیق ولی تقریبی، به آن سمت دهیم تا فراغ‌التحصیلان ما به سمت دوره‌های تحصیلی متفاوت حرکت کنند. اینها همه به سازوکارهای مناسب و زیرساخت نیاز دارند. در کشورهایی که اکنون برای دانش‌آموزان در جهت حرکت به سوی فنی و حرفه‌ای انگیزه ایجاد می‌کنند، اهرمها و حمایت‌های قانونی نیز وجود دارد؛ مانند قوانین کار مصوب که اشتغال آنها را فراهم کند. از همه مهم‌تر، به نظر من افراد باید طی دوران تحصیلات فنی و حرفه‌ای از حمایت‌هایی برخوردار باشند. این جواب سؤال اول بود.

هماهنگی کتابهای کمک آموزشی با برنامه‌های آموزشی و کتابهای

درسی

در رابطه با تأثیر کتابهای کمک آموزشی باید بگویم همان‌طور که همه اطلاع دارید، چندین سال است که سامان‌دهی کتابهای کمک آموزشی در دفتر انتشارات کمک آموزشی شروع شده است که ان شاء... بتوانیم شاهد انتشار کتابهای کمک آموزشی به صورت رسمی و تأیید شده باشیم. به گونه‌ای که این کتابها هماهنگی لازم را با برنامه‌های آموزشی و کتابهای درسی داشته باشند تا اگر دانش‌آموزی به دنبال اطلاعات بیشتری بود، از کتابهای کمک آموزشی استفاده کند. کتابها، هم از نظر علمی و هم از نظر محتوا، ابتدا باید به تأیید کارشناسان ذی‌ربط برسند و سپس معرفی شوند. اقدام دیگر دفتر انتشارات کمک آموزشی، برپایی جشنواره کتابهای آموزشی رشد است که این هم اطلاع‌رسانی دیگری است در مورد کتابهای آموزشی مناسب.

نیکنام: با توجه به تحقیقاتی که انجام داده‌ام، فکر می‌کنم ۹ هزار ناشر کتاب در کشور داریم. من کتابی داشتیم که تألیف و تدوین آن چند سال طول کشید. وقتی برای چاپ آن به سراغ ناشران می‌رفتم، می‌دیدم حتی بعضی‌ها ایشان پولی از من می‌خواهند تا چاپش کنند. اولین سؤالشان هم این است که: مصرف‌کنندگان این کتاب چند نفرند؟ کتاب روی دستم مانده بود، ولی در نهایت آن را چاپ کردم و در قبال دستمزد فقط حاضر شدند ۳۰ جلد کتاب به من بدهند! در مقابل صدها ساعت کاری که روی کتاب انجام دادم، تنها ۳۰ جلد کتاب دریافت کردم و این هیچ‌گونه جاذبه‌ای برای مؤلف ندارد.

فکر می‌کنید وضع انتشار کتابهای فنی چرا به این صورت است که من مؤلف علاقه‌مند را از پا می‌اندازد؟ اگر در رشته صنایع چوب، خود آموزش و پرورش حمایت نکرده بود، باور

بفرمایید ما نمی‌توانستیم ۲۵ کتابی که تألیف کرده‌ایم و حتی مورد استفاده دانشگاه‌ها نیز هستند، تا حالا تألیف کنیم. یا بعضی از همین ۵۰ جلد کتاب کمک‌آموزشی که برایمان ارسال کرده‌اند، به هیچ وجه مشخصات لازم را برای یک کتاب کمک‌آموزشی در چارچوب کار ما ندارند، اما ما سعی می‌کنیم همه را به نوعی تشویق کنیم تا ان‌شاءالله وارد گود شوند. حال شما فکر می‌کنید چرا چنین شرایطی در کشور ما به وجود آمده است؟ دارالفنون که در سال ۱۳۳۰ ه.ق تأسیس شده بود، در دوران خودش چاپ و نشر داشت و هنرآموزانش را تعلیم می‌داد. شاید بعد از ۳۰ سالی که آموزش می‌داد، تعداد کتاب‌هایش به ۴۰ عنوان رسید. اما حالا وضع نشر چگونه است؟ چه کاری باید انجام دهیم تا مؤلف را جذب کنیم که در جهت نیاز کشور عمل کند؟ جناب آقای کافی بفرمایید.

وقتی

می‌خواهیم در شاخه
کاردانش کتاب درسی
تولید کنیم، دست و پایمان
می‌لرزد، چون خریدنش
اجباری نیست

کافی: بد نیست بعد از گفتن این مقدمات کلی، به موضوع مورد علاقه فصل‌نامه رشد جوانه نیز برسیم که می‌خواهد روی کتابهای کمک‌آموزشی و مسائل ناشران خصوصی و سهمشان در این موضوع بحث کند. ناشران کشور ما دو نوع هستند: یکی ناشر خصوصی و دیگری ناشر دولتی. ناشر دولتی براساس اهدافی کار می‌کند که وجه اقتصادی‌اش از اهمیت کمتری برخوردار است. اما نشر خصوصی برای این که بتواند روی پای خودش بایستد و بتواند از چاپ یک کتاب به درآمدی برسد تا بتواند از آن درآمد کتاب دیگری را چاپ کند، باید مخاطب را در نظر بگیرد.

مخاطب بالقوه و مخاطب بالفعل

معمولاً مخاطب را به مخاطب بالقوه و مخاطب بالفعل تقسیم‌بندی می‌کنند. مخاطب بالقوه یعنی کسانی که کتاب برای آنها نوشته می‌شود. تمام آماری که جناب‌عالی و دکتر اسماعیلی یا مهندس آقازاده در رابطه با فعالان رشته‌های خود ارائه کردند، یا ارقام شگفت‌انگیز ۸۰۰ هزار مخاطب و یا ۴۲ هزار مخاطب، از نظر ناشران، آمار و ارقام مخاطبان بالقوه است. مخاطب بالفعل مخاطبی است که کتاب را می‌خرد و از بابت خرید آن کتاب است که نظام نشر می‌تواند چرخه خود را طی کند و به ناشر توزیع‌کننده و کتاب‌فروش نفعی برساند.

حال من ارقام سرانگشتی را خدمت شما ارائه می‌دهم که شاید مورد توجه‌تان واقع شود. ما خودمان محاسبات را انجام می‌دهیم و این سؤال بجایی است که از شما می‌پرسند: چه قدر می‌توان این کتاب را فروخت؟ بالاخره محاسباتی وجود دارد. شما ابتدا فکر کنید که ناشر یک بنگاه اقتصادی است. وقتی از شما می‌پرسند که کتاب حدوداً چه قدر فروش خواهد داشت، این سؤال به حقی است. با یک محاسبه سرانگشتی، اگر کتابی کمتر از شش هزار نسخه به فروش رود، دخل



شما
فکر نکنید که
انتشارات فنی ایران
قراردادها و تفاهم‌نامه‌هایی را
که با آموزش و پرورش دارد، برای
جنبه مالی‌اش بسته است، بلکه
می‌خواهد تجربیات خودش را در
زمینه عرضه کتابهای درسی و
فنی افزایش دهد

و خرج آن کتاب با هم نمی‌خواند؛ به خصوص در حوزه کتابهای فنی که نسبت به کتابهایی مثل رمان، کتابهای پردردسری هستند. چرا که در رمان، شکل و جدول و رنگ مطرح نیست. شما یک رمان قطع رقعی را در نظر بگیرید. آن را صفحه‌ای ۲۰ تومان قیمت می‌گذارند و یک کتاب ۱۲۰ صفحه‌ای را ۲۵۰۰ تومان می‌فروشند. شما این را مقایسه کنید با کتابهایی که در رابطه با رشته‌های خودتان چاپ می‌شوند و با استفاده از یارانه، یک کتاب مثلاً ۲۰۰ صفحه‌ای را ۸۰۰ تومان یا ۱۰۰۰ تومان می‌فروشیم. حال اگر همین کتاب را با همین کیفیتی که شما در آموزش و پرورش منتشر می‌کنید، یک ناشر خصوصی بخواهد چاپ کند، نزدیک شش هزار تومان قیمت‌گذاری می‌کند. برای کتابی با این قیمت، ناشر باید سرمایه‌گذاری جدی کند. تعداد مخاطبان بالفعل که این کتاب را بخوانند، تحت تأثیر عوامل پیچیده‌ای است که به مسئله نقش کتاب در نظام آموزشی ما برمی‌گردد.

ما دو نوع نظام آموزشی داریم: یکی نظام آموزشی رسمی که باید «Corriclom Base» باشد و ناشر خصوصی خیلی با این موضوع آشنا

نیست و نقش Text book و بسته آموزشی را به درستی نمی‌داند. هم‌چنین از تعریف دقیق کتاب کمک‌آموزشی هم اطلاع ندارد. آقای دکتر اسماعیلی واضح‌تر گفتند. کتاب کمک‌آموزشی در تصور همه کتابی است که به ارزش‌یابی می‌پردازد؛ مثل انواع کتابهای تمرین تا فرد بتواند در ارزش‌یابی موفق شود.

آموزش آکادمیک، آموزش غیر آکادمیک

ما در بسته آموزشی یک Text book داریم که کتاب محور محسوب می‌شود و فرض کنید تولید این گونه کتابها در اختیار آموزش و پرورش است. حول و حوش آن، یک Text book راهنمای معلم و نیز یک کتاب کار لازم است. در ضمن، الزاماً نباید به کتاب به عنوان یک رسانه توجه شود و به رسانه‌های دیگر هم باید توجه کرد؛ مثل فیلم، سی‌دی و حتی مولتی مدیا متصل به شبکه. این رسانه‌ها به خصوص در مورد رشته‌های فنی خیلی قوی‌تر می‌توانند عمل کنند. ضمن این که کتاب هنوز در آموزش و فرهنگ جایگاه و نقش جدی دارد.

نکته دیگر این که در کنار آموزش آکادمیک، آموزش غیر آکادمیک هم وجود دارد. کتابهای «Do it your self»، کتابهای فراوان با عناوین مکرر هستند که مثلاً اگر یخچال خراب شد، چه کنیم. یا حتی چگونه برای خانه کمد درست کنیم که چند جلد از این گونه کتابها را انتشارات فنی ایران به چاپ رسانده است، ولی رغبت و میل جامعه دست ناشر نیست و فضای دیگری اقتضا می‌کند. ظاهراً ما دیگر با پول نفت نمی‌توانیم زندگی کنیم و از این به بعد باید کار کنیم. این چشم‌انداز وجود دارد که: اگر کار بلد نباشی، نمی‌توانی زندگی کنی.



من زمانی را که برای یاد گرفتن کار در جامعه تشنگی ایجاد شود، خیلی دور نمی‌بینم. در آن صورت است که ناشری مثل ما، در کنار آموزش آکادمیک خودش، به دنبال نشر کتاب‌های Do it your self می‌رود و بیش از ۵۰۰-۴۰۰ عنوان از این کتابها را نشر می‌دهد تا بتواند همه رشته‌ها را تغذیه کند.

کتاب کمک آموزشی یعنی کتاب ارزش یابی

در کشور ما، کتاب کمک آموزشی همان طور که دوستان اشاره کردند، یعنی کتاب ارزش یابی؛ یعنی کتاب حل مسائل و کتاب تمرین. انتشار این کتابها رونق هم دارد و ناشران در این زمینه بسیار پول درمی‌آورند. آن چه که آقای اسماعیلی اشاره کردند و ما اسمش را بسته آموزشی گذاشته‌ایم، شامل کتاب درسی، کتاب کار و کتاب راهنمای معلم است.

ما به عنوان ناشر، در تعاملی که با آموزش و پرورش داریم، فرض کنید به رشته تأسیسات وارد می‌شویم. اما وقتی می‌خواهیم در شاخه کاردانش کتاب درسی تولید کنیم، دست و پیمان می‌لرزد، چون خریدنش اجباری نیست.

شما نمی‌توانید به یکی دو ناشر متکی باشید. ناشران متعدد و متنوع باید جذب این رشته شوند. به این منظور دو راه وجود دارد که آقای خاکی هم به آنها اشاره کردند. خیلی ساده بگویم که باید از این ناشران حمایت کنید، چون حساب دو دو تا چهارتاست. با توجه به آن رقم سرانگشتی که من عرض کردم، اگر کتابی تا شش هزار نسخه‌اش فروش نرود، به صرفه نیست. حالا یک کتاب رنگی قطع رحلی که ۲۰۰ صفحه است، ۸۰۰۰ تومان قیمت دارد. انتشارات فنی ایران اعلام می‌کند حاضر است با ارائه فاکتور و در صورت وجود سود معقول، برای شما کتاب چاپ کند؛ البته به شرطی که شما فروش آن را تضمین کنید و یا بگویید که مثلاً ما فقط ۱۰۰۰ نسخه می‌خواهیم. الان هم نوع



برنامه‌های
درسی به سمت
شایستگی پیش
بروند

ارتباط ما با آموزش و پرورش همین‌طور است.

شما فکر نکنید که انتشارات فنی ایران، قراردادهای و تفاهم‌نامه‌هایی را که با آموزش و پرورش دارد، برای جنبه مالی‌اش بسته است، بلکه می‌خواهد تجربیات خودش را در زمینه عرضه کتابهای درسی و فنی افزایش دهد؛ به گونه‌ای که بتواند در زمان مقتضی از این قضیه بهره‌مند شود. خلاصه عرض کنم مادام که تعداد مخاطبان به قسمی نباشد که ناشر خصوصی را جذب کند، مطمئن باشید خیلی از ناشران وارد این زمینه نمی‌شوند. بنابراین راهی جز حمایت‌های دولتی برای این قضیه نمی‌بینم.

اسماعیلی: با توجه به بحث، من چهار محور برای برون رفت از این وضعیت می‌بینم: یکی این‌که در کشور ما ارزش کار بالا برود، یعنی کار دارای ارزش باشد. آموزش برای کار، نه آموزش برای آموزش. این نیاز به فرهنگ‌سازی دارد.

دوم این‌که برنامه‌های درسی ما به سمت شایستگی پیش بروند و مواد آموزشی‌مان با زبان مخاطبها نوشته شود. چون تجربه نشر ما، حداقل در حوزه فنی و حرفه‌ای، به زبان مخاطبان نیست.

سوم این‌که دولت حتماً باید سرمایه‌گذاری کند و مشوقهای گوناگونی در حوزه نشر فنی و حرفه‌ای ارائه دهد.

و چهارم، بحث تعامل ارائه‌دهندگان آموزش و حوزه نشر بخش خصوصی است. گاهی اصلاً این تعاملات صورت نمی‌گیرند تا جریان اطلاعاتی برقرار شود و بفهمیم مشکل کجاست.

در کتابهای کمک آموزشی، زبان ما بیشتر زبان دانشگاهی است

من یک مجموعه آمار ارائه می‌کنم. در دنیا به طور میانگین، ۸۰ درصد مشاغل به آموزشهای فنی و حرفه‌ای نیاز دارند. در ایران نیز هم اکنون ۱۸ میلیون شغل‌مان نیازمند آموزشهای فنی و حرفه‌ای با همین مفهوم فنی و حرفه‌ای هستند. خب مخاطبان ما بیشتر کسانی هستند که می‌خواهند برای شغل آماده شوند. یک ظرفیت دیگر هم داریم و آن کسانی هستند که شغل دارند و شغلشان تغییر می‌کند.

آمار یونسکو در ایران می‌گوید: «افراد باسوادتر، بی‌کاری بیشتری». شاید بهره‌وری سواد که به داشتن شغل و افزایش ثروت منجر می‌شود، در کشور وجود ندارد. آمار دیگر این‌که در کشورهای دارای تولید ناخالص داخلی بیشتر، به طور متوسط درصد ثبت نام آموزشهای فنی و حرفه‌ای در دوره متوسطه بالاتر است. اگر به این موضوعات توجه کنیم، می‌بینیم که فنی و حرفه‌ای مهم و گران قیمت است. یا باید همه مسائل فنی و حرفه‌ای، حتی آموزش آن را به بخش خصوصی واگذار کرد، یا این‌که کاملاً دولتی شود؛ مثل سوئد و برخی کشورهای دیگر.

به طور کلی سازوکار این ارتباط در حوزه آموزشهای فنی و حرفه‌ای و در بحث تولید مواد آموزشی

جایی تعریف نشده است که مثلاً برای تربیت نیروی انسانی کارخانه، چه قدر باید از مواد آموزشی استفاده کرد. تأکید من بیشتر بر فیلمهای آموزشی است که تعداد مخاطبان بالقوه و بالفعل آن زیاد است.

اگر روی این چهار محور به صورت موازی کار کنیم، احتمالاً به نتایج مثبتی در حوزه نشر خواهیم رسید.

در کتابهای کمک آموزشی، زبان ما بیشتر زبان دانشگاهی است. حتی در همین کتابهای فنی و حرفه‌ای که در بخش خصوصی داریم، همین طور است. به زبان دانش آموزان نیست. الان دانش آموزان ما چندان به مطالعه توجه ندارند، پس بهتر است آن گونه که دوست دارند، برایشان مواد درسی تهیه کنیم. اگر فیلم، موسیقی، مولتی مدیا یا پادکست دوست دارند، باید روی آنها کار کنیم. باید بپذیریم که مخاطبان ما تغییر کرده‌اند، پس ذائقه شان را باید رصد کنیم و به آن توجه نشان دهیم.

نیکنام: در پایان، آقای مهندس جاریانی بفرمایند دیدگاهشان درباره کتابهای کمک آموزشی چیست؟



نیکنام

جاریانی: تعریفی که می‌شود از کتابهای کمک آموزشی ارائه داد این است: کتابهای کمک آموزشی مجموعه‌ای از مواد یا رسانه‌های آموزشی هستند که برای نیل به اهداف خاص برنامه درسی تهیه می‌شوند. معمولاً کمیسیونهای تخصصی یا گروه‌هایی که کتابهای درسی را تهیه می‌کنند، دیدگاه دانشگاهی دارند، در نتیجه کتابها بیشتر به درد دانشجویان می‌خورند تا دانش آموزان. به همین دلیل باید سبک و سیاق تألیف کتابهای تخصصی در شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش تغییر کند. تصور من این است که اگر بیشتر بتوانیم به سمت آموزش پودمانی و تألیف کتابهای پودمانی برویم، موفقیت‌مان بیشتر است. چون نکته‌ای که خیلی اهمیت دارد این است که کتابها باید خودآموز باشند.

قبلاً می‌گفتند نویسنده‌ای خوب است که کسی کتابش را متوجه نشود. در حالی که الان برعکس است و هنر مؤلف در این است که همه بچه‌ها بتوانند از کتابش بهره بگیرند. به نظر من، کتابهایی که تحت عنوان «راهنمای معلم» تهیه می‌شوند، به نوعی کمک آموزشی هستند. یعنی این محدوده را می‌توان وسیع‌تر کرد و کتاب کمک آموزشی را به گونه‌ای نوشت که حتی خانواده‌ها نیز آن را بخوانند و به فرزندانشان کمک کنند.

پیشنهاد می‌کنم در طرح سامان بخشی که طرح بسیار خوبی هم هست، این موضوع جا بیفتد که کتاب کمک آموزشی کتابی نیست که فقط برای دانش آموزان نوشته می‌شود. مثلاً الان برای دوره پیش‌دبستان یک بسته پیش‌دبستان تهیه شده که بسیار خوب است و به راحتی به بچه‌ها کمک می‌کند. خب این بسته به دست کودک پیش‌دبستانی داده نمی‌شود. خانواده‌ها آن را می‌خرند و با

بچه‌ها کار می‌کنند.

کتابهای کمک‌آموزشی اهداف برنامه‌درسی را پوشش دهند

مهم‌ترین هدف کتابهای کمک‌آموزشی این است که اهداف برنامه‌درسی را پوشش دهند. برای رونق انتشار این کتابها، به نظرم باید سیاستهای تشویقی را به کار بست؛ حداقل با دادن تضمین خرید کتاب به ناشران. حتی همین طرح سامان‌بخشی باید سیاستهایی را اجرا کند و از رسانه‌های دیگر کمک بگیرد تا ناشر ببیند مورد توجه است. ما همیشه مواظبیم که بخش خصوصی سود نکند که دیدگاه نامناسبی است.

پیشنهاد می‌کنم از ناشران خصوصی دعوت کنیم که به کمیسیونهای تخصصی بیایند. تصور می‌کنم اگر گروهی از ناشران در جلسه‌ای با اعضای کمیسیون مثلا تأسیسات تبادل فکر داشته باشند، باعث می‌شود ناشر بفهمد که باید چه کار کند. یعنی نباید پيله‌ای غیرقابل نفوذ درست کنیم. باید اهداف برنامه‌درسی را به اطلاع ناشران

برسانیم و بگوییم که کدام هدفهای رفتاری باید تحقق پیدا کنند.

کتابهای کمک‌آموزشی پیوند ناگسستنی با برنامه‌درسی دارند. اما اگر بتوانیم در کنار مباحث علمی، یک سلسله مباحث فرعی را که در خدمت علم هستند، مثل آموزشهای غیرفنی، به مخاطبان یاد بدهیم، خیلی خوب خواهد بود. این موضوع هم باید بین ناشران جا بیفتد که کتاب کمک‌آموزشی فقط یک تسهیل‌کننده است تا معلم بداند که دکان او تعطیل نمی‌شود و از کتاب استفاده کند. ما در کتاب راهنمای هنرجو که برای ریاضی نوشته‌ایم، تجربه خوبی نداریم. معلمها از این کتاب استفاده نمی‌کنند. من از یکی از بهترین معلمهای تهران پرسیدم: چرا تمرینات را از این کتاب نمی‌دهی؟ گفت: بچه‌ها می‌گویند: درس را که از روی کتاب می‌دهد، تمرین را هم که همین‌طور، پس خودش چه کاره است؟ برای ما افت دارد که بچه بگوید معلم از خودش هیچ خلاقیتی ندارد. یعنی آن فرهنگ‌سازی که آقای دکتر اسماعیلی گفتند نیز مهم است.

در کتابهای کمک‌آموزشی، باید یک سلسله شاخص برای اندازه‌گیری معین کنیم تا هنرجویان یاد بگیرند که چگونه پیشرفت خود را اندازه‌گیری کنند. ضمن این‌که نباید از حضور فناوری غافل شویم. باید از آن در خدمت راحت‌تر کردن آموزش استفاده کنیم. الان دیگر زمانه‌ای نیست که بگوییم فقط کتاب اعتبار دارد.

حرف آخرم هم این است که اکنون زمان انجام پژوهشی فرا رسیده است تا ببینیم نتایج طرح سامان‌بخشی کتابهای کمک‌آموزشی چه بوده است. اشکالات کار کدام‌اند و چگونه می‌توانیم بیشتر با بخش خصوصی پیوند بخوریم. تا به حال این گونه بوده است که ناشران برحسب علاقه و احساس مسئولیت وارد حوزه فنی و حرفه‌ای شده‌اند. پیوندمان با ناشران باید بیشتر شود و از ناشران برای حل مشکلاتمان کمک بخواهیم. هرچه این همکاریها صمیمانه‌تر و نزدیک‌تر باشند، قطعاً

اهداف
برنامه‌ی درسی
را به اطلاع ناشران
برسانیم

جواب بهتری می‌دهند.

با کمبود مؤلف روبه‌رو هستیم

خاکی: ما با کمبود مؤلف در حوزه فنی و حرفه‌ای روبه‌رو هستیم. این معضلی است. کسانی که می‌خواهند کتاب فنی و حرفه‌ای تألیف کنند، باید از چند شاخص برخوردار باشند. ما باید انقلابی عمل کنیم و دوره‌ای به نام تربیت مؤلف بگذاریم؛ چه برای بخش خصوصی، چه برای بخش دولتی. باید مؤلفان را تربیت کنیم که چگونه این کتابها را تألیف کنند؛ چه کمک آموزشی چه آموزشی. ما ابتدا باید این مشکل را حل کنیم. بعد به مدیران صنعتی، خدماتی و بازرگانی هم باید توصیه کنیم که در محل کارشان، برای مطالعه و آموزش افراد و کارگزارانشان کتابخانه آماده کنند تا مخاطبان را از بالقوه به بالفعل دریاوریم.

نیک‌نام: سؤالات زیادی داشتیم، اما به ۲-۳ سؤال بیشتر جواب داده نشد. ان شاء الله در نشستهای بعدی، بقیه سؤالات را مطرح می‌کنیم.

